

**دیدگاه یک**  
**احمداحمدی**

**شورای نگهبان باید جوربخش جمهوریت را بکشد**

در موضوع جمهوریت و اسلامیت همان اول مرحوم استاد عمیدزنجانی و آقای دکتر سیدمحمد هاشمی، از اساتید قانون اساسی و عمومی کشور، یک اشکال گرفتند. گفتند جمهوری اسلامی چه حکومتی است؟ اگر جمهوری است که نمی تواند اسلامی باشد و برعکس در صورت اسلامیت، جمهوری چگونه محقق می شود؟ این یک سوال بود. چون جمهوری سازوکارهایی دارد که اسلام در خیلی از زمینه ها با آن تعارض دارد. پاسخی که حقوق دان ها دادند این بود که جمهوریت و اسلامیت دو موضوع جداست. یکی ناظر به شکل است و یکی ناظر به محتوا. ما محتوا را اسلامی می دانیم و شکل را جمهوری. در بحث ثبوتی باید ببینیم آیا این سازوکار و نرم افزار که اسنشق قانون اساسی است با این کلمات و عبارات در حوزه شورای نگهبان ما را به هدف می رساند، از این جهت که قوانین مصوبه با قانون و شرع مغایرت نداشته باشد؟ آیا کافی است یا نیاز به بازنگری دارد؟ وقتی ۱۰ سال از انقلاب گذشت، بازنگری در قانون اساسی انجام شد؛ الان که سال ۹۶ است به طریق اولی این بازنگری لازم است. در اینکه بازنگری در قانون اساسی باید شروع شود، شکی وجود ندارد، اما بحث اثباتی نیز مطرح است یعنی آیا در عمل ما متون استیم موفق باشیم یا نه. اینکه در قسمت اول در جمهوری و اسلامیت به احزاب اشاره کردند حرف درستی است. احزاب برابند افکار عمومی هستند و می توانند به ما شناسنامه بدهند. می توانیم با استفاده از احزاب افکار و اندیشه ها را شناسنامه دار کنیم. نه اینکه بخوایم تقشیش عقاید کنیم. اینکه بدانیم چه جریاناتی، چه عقایدی دارند. وجود احزاب کمک می کند که بهتر بتوانیم اندیشه های سیاسی داشته باشیم، اما اینکه بازفاصله داشته بگیریم که مثلا نظام پارلمانی می تواند جایگزین نظام نیمه ریاستی فعلی بشود، خیلی صلاح نیست. برای اینکه سیستم سیاسی و نرم افزاری را تغییر بدیم، فکر می کنم نیاز به عمیق شدن در مباحث کارشناسی باشد. من هنوز زیرساخت ها را در جامعه خودمان برای این کار کافی نمی دانم. مثل همان اتفاقی که برای قانون تجارت ایران افتاد و عین قانون تجارت فرانسه را پیاده کردیم. در نتیجه ممکن است با تعجیل، نظام سیاسی را بشکل مواجه کنیم.

**شیران:** ما تا مسیر را درست نکنیم نمی توانیم این هجمه را از شورای نگهبان برداریم، چون در احزاب فردی که به عنوان کاندیدا مطرح می شود، شاخصه کاری را دارد. اگر سازو کار درست شود دیگر نیاز نیست شورای نگهبان در شورای شهر مشهد برای انتخاب ۱۵ نفر، هزار نفر را بررسی کند. با آن مدل در نهایت ۷۵ نفر را بررسی می کند، ولی چون مسیر صحیح نیست، شورای نگهبان باید جور بخش جمهوریت را بکشد. اعتقاد من بر این است که جمهوریت و اسلامیت را به لحاظ محتوایی و شکلی می توانیم در کنار هم داشته باشیم، اما ابزار سمتی که مربوط به جمهوریت باشد را درست تعریف نکرده ایم و به همین دلیل در حوزه شورای نگهبان با مشکل مواجهیم. انتخابات مجلس در مشهد ۵ نفر می خواهد، ۴۰۰ نفر ثبت نام می کنند. در شورای شهر ۱۵ نفر می خواهیم، هزار نفر ثبت نام می کنند، یعنی بار سنگینی در حوزه نظارتی بر دوش شورای نگهبان گذاشته ایم. طبیعی است که در مصداق ها وقتی قرار باشد این حجم بررسی شود، به مشکل برمی خورد و بعضاً اشتباه می شود. الان بند ۲ ماده ۱۵۸ با اصل ۷۴ کاملا مغایر است. در اصل ۷۴ می گوید لایح را باید دولت بیاورد و یا طرح ها را مجلسی ها بیاورند. بند ۲ ماده ۱۵۸ یکی از وظایف قوه قضائیه را تعریف لایح قوه قضائیه می داند. خوب یا لاخره لایح را قوه قضائیه باید بیاورد یا دولت؟ از این ابهامات موارد متعددی وجود دارد. طبیعی است که ۲۸ سال هم گذشته است و باید در قانون اساسی بازنگری شود.

دکتر احمد احمدی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد مشهد:

**قانون تجارت فرانسه عیناً در ایران تکرار شد**

در ۱۳۱۱ همان کسانی که به فرانسه رفتند و قانون تجارت را به ایران آوردند، آن را به مجلس دادند که عینا بدون تغییر در مجلس تصویب شد، در حالی که زیرساخت آن را حاضر نکرده بودند. در بحث قانون اساسی نیز همین است. ما باید اولاً فرهنگ اسلامی ایرانی جامعه را در نظر بگیریم بعد نیازها را اولویت بندی کنیم.

**دیدگاه دو**  
**رضاشیران خراسانی**



عکس: خاورمیانه/ایران

**در میزگرد شهرآرآبه مناسبت سالروز تشکیل شورای نگهبان مطرح شد**

**ضعف نظام حزبی و بار مضاعف بر شورای نگهبان**

بحث تأیید و رد و هم بحث تفسیری. مشکلی که در این فرایند هست، این است که ما برای اسلامیت فکر کرده ایم و فقهای شورای نگهبان را گذاشتیم که با دقت نظارت کنند تا اسلامیت برقرار شود، ولی برای جمهوری فکری نکرده ایم. آن نقطه ای که الان شورای نگهبان درگیر آن است و در افکار عمومی هم مطرح است، این نقطه است که چون در بحث جمهوری از ابزار جمهوریت استفاده نکرده ایم، بارش روی دوش شورای نگهبان افتاده است. عمده مسائلی که در حوزه نظارت شورای نگهبان بر انتخابات و تأیید یا رد صلاحیت کاندیداها وجود دارد، ناشی از این موضوع است. ما در بحث جمهوریت ارکان جمهوری را که احزاب هستند، آماده نکرده ایم. چون تعریف های حزبی مان درست نیست و افراد در حزب شکل نمی گیرند و انتخابات در حقیقت حزبی نیست و فردی است، مصداق ها خیلی سخت می شود. خیلی از نقاط آسیب اینجا است. ما باید این بخش را درست کنیم تا باری از دوش شورای نگهبان برداشته شود.

**یعنی سازوکارهای دیگری در بخش جمهوریت ریل گذاری شود تا باری که روی دوش شورای نگهبان است سبک تر شود.**

**شیران:** ببینید، در حوزه انتخابات افراد کجا تأیید صلاحیت می شوند؟ مثلا در انتخابات ریاست جمهوری دیدیم که چند هزار نفر با رده های مختلف ثبت نام کردند. اگر ما قانون احزاب را درست کرده و بر مدار قانون احزاب قانون انتخابات را اصلاح کنیم، این اتفاقات می افتد؟ این بحث ها را با فرض اینکه شورای نگهبان نهادی است که حتماً لازم است و همه نظام های حقوقی به نوعی توسط ساختاری از قانون اساسی خود محافظت می کنند می گویم. در اصل آن هیچ شکی نیست، اما در بحث های مختلف مدنی، مالی و مابرای اختلاف نظر بین مجلس و شورای نگهبان، مقام بالادستی به نام مجمع تشخیص مصلحت نظام تعریف کرده ایم، اما در حوزه جمهوریت تعریف نکرده ایم که وقتی شورای نگهبان انتخاباتی را باطل می کند مقام بالادستی جاساست که برویم شکایت کنیم.

در موضوع خانم دکتر مینو خالقی در اصفهان انتخابات تمام شد، آرا شمارش شد، بعد اعلام شد که فقط آرای یک نفر از پنج نفر در آن حوزه باطل شد. اگر کلاً آرای حوزه باطل می شد، موضوع دیگری بود. شما می دانید من یک اصولگرا هستم، ولی می خواهم بگویم مشکل نهاد نظارتی با جایگاه شورای نگهبان در اینجا جاست که ما در بخش جمهوریت ساختارها را نچیدیم و بارش را شورای نگهبان دارد می کشد. باید خانم مینو خالقی را قبل از این مراحل در نظام حزبی می آوردیم. حزب می ماند و پاسخ گوست و تنبیه و تشویق می شود، اما شخص نه. حزب کارگر انگلیس چقدر عمر دارد؟ دیرکل هایش آمدند و رفتند، ولی مردم به عنوان یک شخص حقوقی آن را می شناسند و از آن مطالبه می کنند. تنبیهش می کنند و به آن رأی نمی دهند یا تشویقش می کنند و رأی می دهند. ما این ابزار را نداریم و گیرمان در بحث شورای نگهبان این ابزار است.

**از تجارب مثبت سایر کشورها باید استفاده کرد**  
**احمد:** عرض من درباره اصلاح است. ما سال ۶۸ یعنی ۱۰ سال بعد از تصویب، قانون اساسی را اصلاح کردیم. می گویم ممکن است در یک جایی تجربه ای در کشوری استفاده نکرده ایم؛ یک ارگان سیاسی را مأمور کردیم که هر مصوبه ای که از پارلمان بیرون می آید، کنترل کند که با قانون اساسی و اصول شرع اسلامی مغایرت نداشته باشد. به نظر می رسد عبارت بسیار مهم در اینجا «عدم مغایرت» است. دریایی از مسائل در جامعه مطرح می شود. شاید عین گفته اسلام امکان پذیر نباشد و همین میزان که مغایر با آن نباشد مورد تأیید باشد. اکنون سؤال این است که آیا شورای نگهبان می تواند بهتر عمل کند؟ آیا این سازوکار که در قانون اساسی گفته شده است، می تواند اصلاح شود؟

**نظر خود شما در همین رابطه چیست؟**  
**احمدی:** در بخش تئوری و نظری ما باید نگاهی نقادانه به قانون اساسی داشته باشیم. همه کشورها بعد از گذشت چند دهه از تصویب قانون اساسی، مواردی از آن را که لازم است بازنگری و اصلاح می کنند.

**شورای نگهبان، نهاد سیاسی نیست**  
**مرتضوی:** شورای نگهبان، نهاد سیاسی نیست. شش نفر از فقهای عادل و آگاه از مقتضیات زمان و مسائل روز، مستقیم از ناحیه مقام معظم رهبری انتخاب می شوند. شش نفر حقوق دان هم در رشته های مختلف حقوقی از طریق رئیس محترم قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد می شوند و توسط نمایندگان مردم رأی می آورند، یعنی رأی آن ها کاملا مبتنی بر دموکراسی است. بحث فقهی هم در اختیار مجلس نیست که انتخاب کند، چون خودش صلاحیت این کار را ندارد. قانون اساسی ما از ابتدای انقلاب اسلامی که به همه پرسبی گذاشته و تصویب شد تا الان کمترین تغییر را داشته است، ولی باید قبول کنیم که نظام های حقوقی در کشورهای مختلف با هم متفاوت است. البته ما می توانیم از تجارب کشورهای دیگر در خیلی از موارد استفاده کنیم.

**آقای دکتر شیران نظر شما چیست؟ آیا این شورا می توانست کارآمدتر یا یکم ابهام تر باشد؟**

**شیران:** شورای نگهبان هم بحث نظارتی دارد، هم



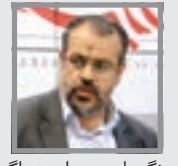
**استمرار اسلامیت نظام بر عهده شورای نگهبان است**

ریاست جمهوری کاندیدا می شوند و تعریف های دیگری که باید ورود پیدا کند. در کشورهای دیگر هم این نهاد هست، منتها روش ها فرق می کند. وقتی یک پست مهم مملکتی را می خواهند در اختیار یک نفر قرار بدهند باید کسی باشد که صلاحیت او را تأیید کند. حالا این احراز صلاحیت ممکن است شرعی باشد، علمی یا عرفی باشد. نمی شود هر کسی با هر شرایطی بیاید و بگویم مردم خودشان انتخاب کنند. در همه نظام ها و کشورهای این موضوع اتفاق می افتد. آن ایرادهایی که به شورای نگهبان می گیرند که این نظارت باید چه نوع نظارتی باشد، استصوابی یا استطلاعی باشد، از همان اول وجود داشت. به نظر ما اگر قرار بود استطلاعی باشد اصلاً جایگاهی نداشت که این همه ساختار و تشکیلات و این همه اصول را قانون اساسی به شورای نگهبان اختصاص بدهد. بختمان در نهاد شورای نگهبان است که آیا این نهاد

خودش هم نظر بدهد که نمی شود! در آمریکا تعریف چیز دیگری است. شاید آنجا قوه قضائیه اش اجازه نداشته باشد خودش لایحه بدهد. قوانین کشورها با هم متفاوتند، ولی بیاناتی که مقام معظم رهبری یا امام را حل در فواصل مختلف درباره شورای نگهبان عنوان می کنند، برای ما فصل الخطاب است. مثلا اینکه «حفظ نظام در گرو حفظ شورای نگهبان است»، یا «گلوگاه مهم برای نظام شورای نگهبان است»، «استمرار اسلامیت نظام شورای نگهبان است»، «عماد ملت و عماد دین و اطمینان و سکینه ای برای مومنین، شورای نگهبان است». بالاخره کشور ما خودش باید در حوزه کارهای خودش تعیین تکلیف کند. شورای نگهبان وظایف فراوان دیگری هم دارد. مثلا عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مراسم تحلیف ریاست جمهوری، در شورای بازنگری قانون اساسی و در تعیین صلاحیت افرادی که برای

**جناب آقای مرتضوی: متأسفانه یکی از هجمه های که از ابتدای انقلاب اسلامی بر کشور وارد شد در بحث شورای نگهبان بوده است که مثلاً چه نهادی است که در خصوص رد یا تأیید قوانین نظر می دهد. اگر بخواهیم مقایسه تطبیقی در میان نظامات حقوقی مختلف دنیا داشته باشیم، بفرمایید که آنها چه سازوکاری بر قوانین خود نظارت می کنند؟**

**مرتضوی:** یکی از هجمه هایی که از اول انقلاب دشمن، چه داخلی و چه خارجی، به ما وارد کرده در همین شورای نگهبان بوده است. اگر در کشور آمریکا نهاد قضایی مصوبات مجلس را زیر سؤال می برد یا در آن ها نظر می دهد، در اینجا خیلی از لایح را خود قوه قضائیه تعریف می کند و به مجلس می دهد. اگر قرار باشد



**ضرورت بازنگری در قانون اساسی جدی است**  
 باید قانون انتخابات را به سمت حزبی بودن پیش ببریم. در انتخابات ریاست جمهوری هزینه کنار رفتن آقای احمدی نژاد را چه کسی می دهد؟ شورای نگهبان. هزینه کنار رفتن مرحوم آیتا... رفسنجانی را هم شورای نگهبان می دهد. در حالی که در نظام حزبی در یک ردیف هایی تصمیم می گیرند و می رسند به کاندیدای مورد نظرشان. مثلاً کسی که می خواهد رئیس جمهور شود در همان سیستم حزبی باید صد هزار امضا جمع کند.

کسی که می خواهد نماینده مجلس شود باید فلان شاخصه ها را داشته باشد. نقطه درگیری شورای نگهبان ما، یعنی بخش اسلامیت یا بخش جمهوریت در اینجا است که ما در حوزه جمهوریت ابزار لازم را نداریم و تا این ابزار را تهیه نکنیم درگیری ها و تفسیرهای فردی مان روزه روز بیشتر می شود.

من اعتقاد راسخ دارم که الان وقت آن است که در قانون اساسی مان بازنگری کنیم. ۲۸ سال از بازنگری آن گذشته است و قانون اساسی در اصل هایی ابهام دارد. این ابهامات باعث شده است که در موارد متعددی برای هم مانع تراشی کنند. مجلس شورای اسلامی مستند به قانون اساسی می گوید دیوان محاسبات می تواند بر همه هزینه و درآمد شهادی ها نظارت کند، ولی تفسیر چیز دیگر است و در نتیجه درگیری بین شهادی ها می شود. دیوان محاسبات را شاهد هستیم. حتی در نظام اداره کشور با این موضوع روبه رو هستیم. آیا ما از نظام ریاستی راضی هستیم؟ الان مجلس عملاً دو سال مفید دارد. یک سال آخر دولت و یک سال آخر مجلس، دولت ها پاسخ گو نیستند، چون نمی دانند که هستند یا نه. وقتی نظام را نیمه ریاستی کردیم در حقیقت مجلس، دولت را انتخاب می کند و مجلس و دولت با هم شروع به کار می کنند. ما انتخابات مجلس را با انتخابات خبرگان و انتخابات ریاست جمهوری را با شوراها برگزار می کنیم، در حالی که انتخابات مجلس باید با ریاست جمهوری باشد. مجلس و دولت باید هم زمان شروع شوند و چهار سال را با هم کار کنند؛ این موضوع مثل تعطیلات ما و اروپا شده که چهار روز با دنیا ارتباط نداریم! پنشنه و جمعه را ما تعطیل هستیم و شنبه و یکشنبه را آن ها. عمر مفید مجلس و دولت دوسال است و با هم مطابقت هم ندارند. موارد متعارض در قانون اساسی زیاد داریم، مثلا اصل ۱۱۰ با اصل ۵ و بند ۵ اصل ۱۵۸ با ماده ۷۴ با هم مطابقت ندارند. تمرکزگرایی کشور را بیچاره کرده است. ما برای اینکه توزیع قدرت کنیم در قانون اساسی شوراها را تعریف کرده ایم. در همین قانون اساسی اصل ۷ با اصل ۱۰۰ کاملا مغایر است. اصل هفتم می گوید طبق دستور قرآن کریم (وَأَمْزِمْ سُورَىٰ تِنَبَّهُمْ) مجلس شورایی اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش و روستا و نظایر این ها از ارکان تصمیم گیری و اداره امور کشور هستند، در حالی که اصل ۱۰۰ می گوید برای پیشبرد برنامه ها با توجه به مقتضیات محلی، اداره امور هر روستا، بخش، شهر، شهرستان یا استان با «نظارت شورایی» به نام شورای ده، شهر، شهرستان و... انجام می گیرد که اعضای آن را مردم انتخاب می کنند. یعنی شورای نگهبان شایسته شورای شهر را نظارتی می داند و می گوید شما فقط می توانید ناظر باشید. حتی شهادی را هم نمی توانید انتخاب کنید. شما ناظر بر اداره هستید و اداره کننده نیستید. لذا شهردار را باید دولت انتخاب کند و شما نظارت کنید. یعنی همین الان توزیع قدرت با این مشکل جدی مواجه هستیم. در صورتی که ما اعتقاد داریم شورای شهر باید از شورای شهادی بیرون بیاید و شورای شهر شود و طبق برنامه پنجم توسعه ۲۳ وظیفه به آن بدهیم، ولی چنین نیست. این ها را چه زمانی باید تصحیح کنیم؟ باید یک وقتی بنشینیم این ابهامات را از بین ببریم. به همین دلیل ضرورت بازنگری در قانون اساسی به نظر من جدی است.